

ویژگی‌های رفتاری نیروهای تراز حرکت انبیاء از منظر قرآن

حسین الهی نژاد^۱

سیدمصطفی بهشتی نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۶

چکیده

قرآن کریم از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین سخن می‌گوید و بعضی از ایشان را به عنوان الگوی مومنان مطرح می‌کند. پیامبران با ایفای دو نقش مهم، کاروان بشر را به سوی آینده موعود سوق داده‌اند؛ نخست، تربیت انسان‌های صالح و دوم، برپایی نمونه‌ای کوچک از تمدن آرمانی به همراه صالحانی که تحت هدایت آنان تربیت شده‌اند. پرسش اساسی این است که یاران تراز حرکت انبیاء، دارای چه ویژگی‌هایی بودند که منتظران ظهور امام زمان علیه السلام می‌توانند با الگوگیری از آن ویژگی‌ها برای زمینه‌سازی ظهور قدمی بردارند. این نوشتار درصدد بازشناسی ویژگی‌های نیروهای تراز حرکت انبیاء است و در آن سعی شده ضمن بیان این ویژگی‌ها، به منتظران ظهور امام زمان علیه السلام کمک کند با پرورش ویژگی‌های رفتاری در خود، زمینه یاری آن امام را فراهم آورند. در تحلیل انتظار برای ظهور امام چند نظریه مطرح است. برخی معتقدند هر چه ظلم و فساد بیشتر باشد ظهور زودتر اتفاق می‌افتد گروهی نیز معتقدند با پرورش نیروهای تراز، باید زمینه ظهور آن حضرت را فراهم کنیم. این مقاله درصدد اثبات نظریه دوم است که منتظرین ظهور امام می‌توانند با الگوگیری از ویژگی‌های یاران تراز انبیاء، بهترین زمینه‌سازان برای ظهور امام زمان علیه السلام باشند. ویژگی‌های تراز را با سه رویکرد معرفتی (اندیشه‌ای)، گرایشی (قلبی)، کنشی (رفتاری) می‌توان مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق تنها به رویکرد کنشی و رفتاری ویژگی‌ها با روش توصیفی و تحلیلی و با فن کتابخانه‌ای و اسنادی پرداخته تا به مهم‌ترین ویژگی‌ها نظیر ولایت‌پذیری، حق‌طلبی، تلاش پیگیر و ثبات قدم منتج شود.

واژگان کلیدی

پیامبران الهی، امام مهدی علیه السلام، ظهور، زمینه‌سازی، نیروهای تراز.

۱. استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (Hosainelahi1212@gmail.com).

۲. دانش‌پژوه سطح چهارم مهدویت مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (smbehaeshti@chmail.ir).

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی منتظران در عصر غیبت، لزوم برخورداری از الگوهای عملی، در مسیر خودسازی و نیز همراهی و مساعدت امام معصوم است، کسانی که توانسته باشند در عرصه عمل، برای تحقق اهداف و آرمان‌های امام خود، جانفشانی کنند و نمونه‌های روشنی در طریق اطاعت و سرسپردگی باشند. در قرآن به نمونه‌های عینی از این گونه الگوها در یاری رساندن به انبیاء الهی اشاره شده است؛ و سرگذشت پیشینیان را مثال و نمونه‌ای برای آیندگان برشمرده است. «فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ»، و آنان را پیشینه و مثلی برای آیندگان کردیم (زخرف: ۵۶؛ ابراهیم: ۴۵؛ نور: ۳۴) و از آنان خواسته در این نمونه‌ها بیندیشند و تنها دانایان را شایسته چنین اندیشیدنی دانسته است (عنکبوت: ۴۳؛ حشر: ۲۱).

در اذهان عموم مردم و حتی نخبگان این پرسش مطرح است که منتظران ظهور امام زمان علیه السلام از چه راهی می‌توانند در ظهور آن حضرت نقش داشته باشند و آیا راهی برای یاری امام وجود دارد یا نه؟ اتفاق ظهور، به صورت جبری محقق می‌شود یا این که در یک فرآیند اختیاری و تدریجی تحقق می‌یابد، به گونه‌ای که تحقق وعده الهی در حاکمیت صالحان بر زمین، مقدماتی دارد و خداوند با طرح و برنامه‌ای، این مسئله را محقق می‌سازد؟ از آیات قرآن به دست می‌آید، تحقق وعده الهی بر حاکمیت صالحان، نیاز به زمینه‌سازی و ایجاد صلاحیت از طرف منتظران دارد. به دلیل این که قرآن وقتی درباره حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام سخن می‌گوید، یاران حضرت بقیة الله، را با دو ویژگی معرفی می‌کند یکی ایمان و دیگری عمل صالح. یعنی یاران امام زمان علیه السلام چنان خود را برای امام زمان علیه السلام، مهیا کرده‌اند که خدای تعالی در قرآن، مهر تایید بر ایمان‌شان زده و آنها را اهل ایمان و عمل صالح معرفی کرده و می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد.

در تفسیر مجمع‌البیان، روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که آن حضرت این آیه شریفه را به یاران حضرت مهدی علیه السلام تفسیر فرمودند:

هم والله شيعتنا اهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا، وهو مهدى هذه

الامة، يملأ الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۷، ۲۳۸).

بنابراین کسانی می‌توانند منتظر واقعی مصلح باشند که ایمان و عمل صالح در وجود آنان ریشه دوانیده باشد. متأسفانه آنچه امروزه در بین جامعه منتظر امام زمان عجل الله فرجه مشاهده می‌شود، فاصله گرفتن منتظران نسبت به شاخص‌هایی است که قرآن آنها را به عنوان معیار برای مؤمنین خالص مطرح می‌کند. این مؤمنین خالص که از آنها به یاران تراز حرکت انبیاء تعبیر می‌شود به عنوان الگوهایی هستند که قرآن آنها را به همگان معرفی می‌کند و لازم است اندیشمندان، جامعه منتظر را با این خصوصیات آشنا کرده و زمینه‌گرایی آنان را به این ویژگی‌ها فراهم کنند. در این مقاله سعی می‌کنیم به تبیین این ویژگی‌ها بپردازیم. البته این ویژگی‌ها را در ابعاد مختلف معرفتی (اندیشه‌ای)، گرایشی (قلبی)، کنشی (رفتاری) می‌توان مورد بررسی قرار داد. ولی در این جا فقط به جنبه‌های رفتاری پرداخته شده است.

درباره پیشینه بحث ویژگی‌های نیروهای تراز انبیاء، مقالات و پژوهش‌هایی از جنبه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند به عنوان مثال، مقاله تبیین نقش انبیای الهی در تحقق تمدن آرمانی براساس قرآن نوشته روحانی مشهدی، فصل‌نامه موعود، شماره ۳۹، و مقاله ویژگی‌های یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه نوشته فاطمه آراسته‌فرد، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۲، و کتاب مردم و زمینه‌سازی ظهور نوشته حسین الهی‌نژاد به تبیین برخی از ویژگی‌های زمینه‌سازان ظهور پرداخته‌اند. اما به نظر می‌رسد این مسئله ابعاد مختلفی دارد که می‌توان با مراجعه به قرآن، نگاه جدیدی به این مسئله داشته باشیم. لذا نگارنده را بر آن داشت پژوهشی در این زمینه ارائه کند.

مفهوم‌شناسی

۱. مفهوم زمینه‌سازی ظهور

زمینه‌سازی به معنای مقدمه‌چینی، آماده ساختن استعداد، اعداد زمینه و تهیه مقدمات برای منظوری است (دهخدا، ۱۳۵۹ش: ج ۲۴، ۴۵۷). زمینه‌سازی ظهور امام عصر عجل الله فرجه به معنای مقدمه‌چینی و آماده ساختن و تهیه زیرساخت‌های امر ظهور می‌باشد که با این روند بسترهای مناسب ظهور امام زمان عجل الله فرجه فراهم گردد.

ظهور بسان هر حادثه دیگر زمینی که مرتبط با عملکرد و کارکرد بشر تحقق می‌یابد، نیاز به مقدمات و بسترهایی دارد. فراهم‌آوری این مقدمات و بسترها که از آن به زمینه‌سازی ظهور

تعبیر می‌شود، در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی خودنمایی می‌کند. مثلاً برخی از این تمهیدات مربوط به خدا و برخی مربوط به امام و برخی دیگر مربوط به عموم انسان‌هاست. البته نقطه ثقل بحث در این‌جا در میان تمهیدات سه‌گانه، تمهیدات بشری است. زیرا در تحقق مقدمات و بسترهای مربوط به خدا و امام، جای هیچ‌گونه شك و تردیدی نیست (الهی‌نژاد، ۱۳۹۷ش: ۳۴).

به عبارتی دیگر زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام، عبارت است از تلاش در راستای برطرف کردن موانع ظهور آن حضرت و از میان برداشتن ضعف‌ها و کاستی‌های معرفتی مسلمانان نسبت به امر ظهور و همچنین ایجاد اشتیاق در بین جامعه بشری برای استقبال از دولت کریمه امام زمان علیه السلام.

طبق مبانی کلامی مکتب ما، زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام در دست انسان‌ها می‌باشد و با تلاش و کوشش مسلمانان که به ممه‌دون از آنها یاد شده است، رقم می‌خورد:

يُخْرِجُ أَنَاثَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِمَهْدِي يَغْنِي سُلْطَانَهُ (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ۴۶۹).

بنابراین زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام یک امر تحصیلی می‌باشد و روایات بر این مطلب تأکید می‌کند که امر ظهور، خود به خود و بدون زمینه‌سازی و آمادگی‌های لازم محقق نمی‌شود و نیازمند فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مدونی می‌باشد تا در جامعه جهانی، بسترهای مناسبی برای تشکیل حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه به وجود آید:

لَوْ كَمَلَتِ الْعِدَّةُ الْمُؤَصِّفَةُ ثَلَاثِمِائَةً وَ بَضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۳).

زمینه‌سازی برای جامعه مهدوی، نیازمند انسان‌های صالح است. زیرا سنت الهی بر این تعلق گرفته که تا افراد تربیت نشوند و تحول و رشد پیدا نکنند، جامعه نیز تحول نخواهد یافت (رعد: ۱۱) همچنین نعمت ظهور امام زمان علیه السلام بستگی کامل به تحولات تربیتی افراد دارد.

در آیه ۵۳ انفال نیز به این نکته اشاره شده که انسان سرنوشت خاصی که از پیش تعیین شده باشد ندارد و تحت تاثیر "جبر تاریخ" و "محیط" نیست، بلکه عامل سازنده تاریخ و زندگی انسان، دگرگونی‌هایی است که در روش و اخلاق و فکر و روح او به اراده خودش پیدا می‌شود. بنابراین تا زمانی که با خودسازی، خویشتن را عوض نکند تغییری در سرنوشتش پیدا نخواهد

شد (مکارم، ۱۳۷۱ش: ج ۷، ۲۱۳).

۲. مفهوم تراز

(تراز) واژه‌ای است فارسی که در معانی مختلفی به کار رفته است. این واژه در لغت عبارت است از ابزاری که به وسیله آن می‌توان سطوح افقی را تشخیص داد، همچنین برای تعیین اختلاف ارتفاع دو نقطه نیز به کار می‌رود. هم‌سطح، هموار، سطح‌نما از دیگر معانی واژه تراز می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳ش: مدخل تراز).

مترادف کلمه تراز، کلمه (سنجه)، (معیار) می‌باشد و آن وسیله‌ای است که بدان چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۲۹۱). بنابراین پیمان‌ه و ترازو معیار است. زیرا به وسیله آن دو، اشیاء سنجیده و پیموده می‌شوند.

معانی دیگری که برای کلمه معیار گفته‌اند عبارتند از: میزان، ضابطه، ملاک، محک (معین، ۱۳۸۶ش: مدخل تراز).

در این مقاله، به بررسی رفتاری یاران خاص انبیاء پرداخته شده است و هدف آن است که رفتار منتظران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه با یاران انبیاء الهی، مورد سنجه و تراز قرار گیرد که آیا در آن سطح هستند یا نه و در صورتی که دارای آن شایستگی‌ها نیستند به دنبال تحصیل آن باشند.

ویژگی‌های رفتاری یاران تراز انبیاء و امام زمان عجل الله تعالی فرجه

یکی از بزرگ‌ترین وعده‌هایی که در قرآن به آن اشاره شده، وعده برپایی حکومت صالحان است (نور: ۵۵). این وعده الهی به حسب ظاهر آیات و نیز فرمایشات متعدد پیشوایان معصوم، همان حکومت عدل جهانی است که در پایان تاریخ توسط مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه تشکیل می‌شود (خزازه قمی، ۱۴۰۱ق: ۱۶۵). تشکیل حکومت عدل جهانی در پایان تاریخ، هدف همه انبیاء بوده و برای تحقق آن برنامه‌ریزی و تلاش شده است. یکی از این برنامه‌ها، تربیت نیروهای تراز است که متناسب با حرکت انبیاء بوده و قرآن کریم مؤمنین را به پیروی از این الگوها سفارش می‌کند (ممتحنه: ۴ و ۶). یکی از وظایف منتظران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه این است که با الگوبرداری از سبک زندگی یاران تراز انبیاء، زمینه برپایی حکومت عدل آن حضرت را فراهم کنند. ویژگی‌هایی که این نیروها داشته‌اند را می‌توان از ابعاد مختلف کنشی، گرایش، معرفتی مورد بررسی قرار داد. اما در این جا به مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری اشاره می‌کنیم.

۱. ولایت‌پذیری

یکی از ویژگی‌هایی که در بین یاران انبیاء به خصوص یاران خاص و تراز ایشان قابل ارزیابی است، و در قرآن کریم اشاراتی به آن شده است، مسئله ولایت‌پذیری و اطاعت محض یاران از انبیاء می‌باشد. آدمی با عشق و محبت شناخته می‌شود و دل‌بستگی‌ها و دوستی‌هایش جهت زندگی و مرگش را ترسیم می‌کند. در جبهه انبیا، یاران بیشترین عشق و ارادت را به پیامبران داشتند و آن را به خوبی به نمایش گذاشتند. علاقه به فرزند، مهر‌مادری، محبت‌پذیری، ارتباط و علقه همسری و نه هیچ دوستی دیگری، باعث نشد که یاران انبیا در یاری پیامبر خویش کوتاهی کرده و از بار مسئولیتی که بر عهده آنها گذاشته شده بود شانه خالی کنند. از آن جایی که انبیاء برای تربیت انسان‌ها از جبر و زور استفاده نمی‌کردند، بلکه از نیروی ایمان و محبتی که در دل مؤمنین ایجاد می‌کردند، بهره می‌بردند. به همین جهت می‌بینیم که تبعیت محض یاران تراز و خاص انبیاء از ایمانی محکم نشأت گرفته که هیچ خللی در آن راه ندارد. این ایمان خالص به راهی که انبیاء در برابر یاران خویش قرار داده بودند، باعث شده بود آنها با بصیرتی که به راه انبیاء داشتند، در برابر اراده انبیاء از خود اراده دیگری نداشته باشند و همه اراده‌ها را به اراده ولی خدا گره بزنند. در قرآن به نمونه‌هایی اشاره شده و این ویژگی یاران خاص انبیاء در آنها تبیین شده است. منتظران امام زمان علیه السلام که به دنبال زمینه‌سازی برای ظهور هستند، باید با الهام از این ویژگی، الگویی برای همه منتظران باشند.

الف) یاران حضرت طالوت

یکی از داستان‌هایی که در قرآن راجع به ولایت‌پذیری یاران انبیا بیان شده است، داستان یاران حضرت طالوت است که به جنگ با جالوت رفته بودند. قرآن این داستان را چنین بیان می‌کند:

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ﴾ (بقره: ۲۴۹)؛
 پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شما را به يك نهر آب آزمایش می‌کند، پس هرکه از آن بنوشد از من نیست و هرکس از آن نخورد از من هست، مگر آن‌که با دست، مشتی برگیرد (و بیاشامد). پس (همین که به نهر آب رسیدند، جز اندکی همه از آن نوشیدند).

این آیه خبر از مردودی گروه زیادی از بنی اسرائیل می‌دهد چرا که در این داستان، پس از

گذراندن امتحان‌های سخت، گروهی رهبر را به خاطر فقر نپذیرفتند، گروهی در آزمایش شکم، شکست خوردند و گروهی در مواجهه و برخورد با دشمن، خود را باختند. اما از طرف دیگر قرآن از گروهی یاد می‌کند که مطیع کامل فرمانده خود بوده و لب به نوشیدن آب نزدند. این گروه که از آنها تعبیر به (منی) شده است از یاران تراز انبیا به شمار می‌روند. حضرت طالوت می‌دانستند یاران‌شان در يك سطح نیستند لذا فرمودند: کسی از آن آب چیزی ننوشد. البته در ادامه يك استثنا زدند (الا من اغترف غرفة بيده) لذا کسانی که خاص بودند اصلاً چیزی نخوردند کسانی که سطح پایین تر بودند يك مقداری نوشیدند (قرآنی، ۱۳۸۸ش: ج ۱، ۳۸۸).
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

افرادى که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سبب و سبزه نغر بودند (الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۵۱).

البته هر چند تعبیری که قرآن راجع به حضرت طالوت به کار برده، از ایشان به عنوان فرمانده و ملک یاد می‌کند نه پیغمبر (بقره: ۲۴۷) اما با توجه به امتحان‌هایی سختی که ایشان از یاران‌شان می‌کنند معلوم می‌شود این امتحانات به امر الهی بوده و می‌توان از آن به عنوان معیاری برای نیروهای تراز انبیاء استفاده کرد.

ب) یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

قرآن راجع به گروهی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از نیروهای خالص آن حضرت به شمار می‌رفتند، به گونه‌ای تعبیر می‌کند که آنان در کار مهمی که حضور جمعیت آن را ایجاب می‌کند بدون اجازه پیامبر اسلام جایی نمی‌روند و در همه حال به دنبال کسب تکلیف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ﴾ (نور: ۶۲)؛

مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هرگاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند، بدون اجازه او نمی‌روند. همانا کسانی که اجازه می‌گیرند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

این آیه شریفه با آوردن کلمه (انما) که دلالت بر حصر می‌کند، اشاره به مؤمنین واقعی دارد که در همه حال در پی انجام وظیفه خویش هستند و بدون اجازه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قدم از قدم بر نمی‌دارند.

منظور از "امر جامع" هر کار مهمی است که اجتماع مردم در آن لازم است و تعاون و همکاری‌شان ضرورت دارد، خواه مسئله مهم مشورتی باشد، خواه مطلبی پیرامون جهاد و مبارزه با دشمن، و خواه نماز جمعه در شرائط فوق‌العاده، و مانند آن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۴، ۵۶۳).

مسئله ولایت‌پذیری به اندازه‌ای دارای اهمیت است که در جای دیگر، قرآن به این حقیقت اشاره می‌کند که اگر مؤمنین از اطاعت ناب و خالص پیامبر دست بردارند، خدا گروه دیگری را جانشین آنان می‌کند که ایشان مطیع محض از امام خود خواهند بود. «إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»، اگر روی بگردانید، گروهی دیگر را جانشین می‌گرداند؛ سپس آنان چون شما نخواهند بود (محمد: ۳۸).

و در جای دیگر به صورت صریح، ویژگی‌های این گروه را بیان می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ (مائده: ۵۴)؛

ای مؤمنان! هر کس از دینش برگردد، خداوند به زودی گروهی را می‌آورد که دوست‌شان می‌دارد و دوستش می‌دارند در برابر مؤمنان خاکسار و در برابر کافران دشوارند، در راه خداوند جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنشگری نمی‌هراسند.

مظهر اتم ارتداد کسانی هستند که پیش قدم در اسلام بودند و بیش از همه تظاهر به دین اسلام می‌نمودند ولی در باطن خبیث‌ترین کفار و رئیس منافقان بودند و زودتر از همه بعد از رحلت پیامبر ﷺ کفر باطنی خود را بروز دادند. در تفسیر قمی چنین آمده که مخاطب این آیه اصحاب پیغمبر می‌باشند که حق اهل بیت پیامبر را غصب نمودند و از دین خدا برگشتند. و از پیغمبر روایت شده که روز قیامت یک دسته از اصحاب مرا می‌آورند و از حوض محروم می‌گذارند من می‌گویم خدایا اصحاب من اصحاب من خطاب می‌رسد تو نمیدانی اینها بعد از تو چه بدعتها گذاردند و برگشتند بدین پدران خود (ثقفی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۲۲۸).

در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ارتد الناس بعد رسول الله الا ثلاثة او اربعة (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۴، ۲۷۴) ارتدادی که در این روایت مطرح می‌باشد، به معنای نپذیرفتن ولایت است نه برگشتن از اصل اسلام. چرا که در آن زمان مسلمانان اعتقادشان به خدا و پیغمبر و برنامه‌های عبادی‌شان تغییری نکرده بود. تنها چیزی که دستخوش دگرگونی شده بود،

ولایت‌پذیری آنان نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام بود. کسانی که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کردند همان‌هایی بودند که هفتاد روز قبل پای منبر آن حضرت در غدیر خم حاضر بودند و با علی علیه السلام بیعت کردند سپس این فرمان نبوت را انکار کردند یا به طرف ابی‌بکر رفتند یا با سکوت خود از یاری آن حضرت دست کشیدند.

در هر جامعه‌ای، نیاز به نیروهایی که در پی اهداف آن بوده و از رهبر اطاعت کامل داشته باشند، به خوبی احساس می‌شود. به گونه‌ای که در صورت نبودن چنین نیروهایی، نمی‌توان به بقاء آن جامعه امیدوار بود. به عنوان نمونه در حکومت امام علی علیه السلام، علت توفیق پیدا نکردن آن حضرت در برپایی حکومت در مصر را می‌توان نداشتن یاران ولایت‌پذیر دانست. یعنی کسی نبود که به دستورات ایشان عمل کند. تنها مالک اشتر بود که او را هم شهید کردند. به همین خاطر امام علی علیه السلام علت شهادت محمدبن ابی‌بکر را کمبود نیروهای آماده و مؤمن می‌داند و به مالک اشتر این نکته را تذکر می‌دهند که برای حکومت باید نیروهایی برای خود تربیت کند (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

همان‌طور که یاران مخلص و تراز حرکت انبیاء در یاری پیامبر زمان خویش از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند، نسبت به اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین ویژگی نیز وجود دارد. زیرا آنها کسانی هستند که با دل و جان و آگاهی و بصیرت تمام، از دستورات امام خود پیروی می‌کنند و در عمل، التزام، پایبندی و تعهد خود را به ایشان نشان می‌دهند. درخشش یاران امام زمان علیه السلام در اطاعت از محبوب خود در کلام امام صادق علیه السلام چنین به تصویر کشیده شده است:

رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ... هُمْ أَطَوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ الْقَنَادِيلُ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ۳۰۸)؛
مردانی که دل‌هایشان به سان پاره آهن است. در ایمان‌شان به خدا و وعده او دژه‌ای تردید ندارند و باور آنان از کوه سخت‌تر است... ایشان در فرمانبرداری از سالار خویش مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود می‌باشند. آنان بسان چراغ‌های روشن‌گرند... دل‌هایشان بسان مشعله‌های پر نور است.

حمایت از امام مهدی علیه السلام و پذیرفتن ولایت ایشان، حمایت از اهداف الهی آن حضرت می‌باشد بنابراین منتظران ظهور امام زمان علیه السلام باید همچون یاران تراز انبیاء، مخلصانه در میدان ولایت‌پذیری پای گذارند و با اطاعت محض از امام خویش، زمینه به بار نشستن تلاش

همه انبیاء را فراهم کنند.

۲. حق طلبی

نهضت و قیام امام زمان علیه السلام در امتداد قیام‌های پیامبران و صالحان و یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین این مبارزات می‌باشد. از مهم‌ترین ویژگی‌های قیام انبیا و اولیاء، حق‌طلبی و تلاش برای احیای حق و ایمان بوده است. همان‌گونه که مهم‌ترین ویژگی قیام مهدوی نیز، حق‌طلبی و تلاش برای حاکمیت ایمان و حق خواهد بود. در طول تاریخ، دو جمعیت و گروه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند: یک گروه نماینده حق و حقیقت، ایمان و حق‌باوری، عبادت و طاعت و در یک کلمه، گروه حق بودند و گروه دیگر، نماینده شر و فساد، ظلم و تباهی، نفاق و بی‌ایمانی، پستی و رذالت و در یک کلمه، گروه باطل. یکی از برنامه‌های اساسی پیامبران و یاران ایشان، مبارزه پیگیر و مداوم با ظلم و ستم حاکمان وقت و ریشه‌کنی جور و استکبار و خودکامگی از جوامع بود و در قرآن نمونه‌هایی از آن آورده شده است.

الف، یاران حضرت ابراهیم علیه السلام

قرآن کریم یکی از کسانی که به عنوان الگوی مؤمنان در حق‌طلبی معرفی می‌کند حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران باوفای ایشان است:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ﴾ (ممتحنه: ۴)؛

همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق و الگوی خوبی است، زیرا به قوم (مشرك) خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید، بیزاریم. ما به (آئین) شما کفر ورزیدیم و میان ما و شما کینه و دشمنی ابدی است، مگر آن‌که به خدای یگانه ایمان بیاورید.

علت این‌که حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران‌شان الگوی مؤمنان در حق‌طلبی معرفی می‌شوند از این جهت است که این آیات بعد از آیاتی است که می‌فرماید ای مؤمنان دشمن من و دشمن خود را به عنوان دوست نگیرید چرا که آنان نسبت به حق کافر هستند (ممتحنه: ۱) و حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران‌شان در این آیات این‌گونه معرفی می‌شوند که با صدای بلند به همه جهانیان اعلام می‌کنند که از شرك و بت‌پرستی به دور می‌باشند و به دنبال حق و حقیقت گام بر می‌دارند به گونه‌ای که حتی روابط خانوادگی نمی‌تواند آنان را از حق‌طلبی دور کند. بنابراین

آیات ابتدایی سوره ممتحنه درصدد بیان این نکته است که به مسلمانان گوشزد کند آنان نباید به خاطر حفظ بستگان خود، مخفیانه یا آشکارا با کفار دوستی و موَدّت داشته باشند و این درس را باید از زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام و یارانش بیاموزند.

و برای این‌که این شبهه پیدا نشود که پس طلب آموزش ابراهیم برای پدرشان چه جهتی داشته است قرآن پاسخ می‌دهد هنگامی که حضرت ابراهیم، پایداری پدر را به کفر و شرک دید و از هدایت او مأیوس شد، از او براءت جست و استغفار برای او، وعده‌ای بود که به پدر داد تا زمینه بازگشت او را فراهم سازد. چنان‌که در سوره توبه آیه ۱۱۴ می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾.

بنابراین زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام و یاران آن حضرت، الگوی همه یکتاپرستان در مسیر حق طلبی می‌باشد.

ب) یاران حضرت موسی علیه السلام

همچنین در قرآن به برخی از یاران حضرت موسی علیه السلام اشاره شده است که اهل حق طلبی بوده و براساس حق قضاوت می‌کنند:

﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۹)؛

و از قوم موسی، گروهی مردم را به حق راهنمایی می‌کنند و به حق، دادگری می‌کنند.

این گروه برجسته از قوم حضرت موسی علیه السلام دارای چنان مقامی هستند که به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام رجعت کرده و در کنار ایشان یاری‌گر حق خواهند بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا، خَمْسَةَ عَشْرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، وَسَبْعَةَ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَيُوشَعَ وَصِي مُوسَى وَمُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَأَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَمَالِكَ الْأَشْشَرَةَ عِيَّاشِي، (۱۴۱۵ق: ج ۲، ۳۵)؛

هرگاه قائم آل محمد ظهور کند، بیست و هفت مرد از پشت کوفه خارج خواهد کرد، پانزده نفر از قوم موسی که به حق داوری می‌کنند و از آن منحرف نمی‌شوند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع وصی موسی و فرعون آل فرعون و سلمان فارسی و ابو دجان انصاری و مالک اشتر.

ج) یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

کسی که به دنبال حق می‌گردد، از هرگونه ناحقی بیزار بوده و با تمام وجود سعی می‌کند آن را از خود دور کند حتی اگر در این راه سختی‌هایی را هم تحمل کند، هیچ حاضر به دست کشیدن از اصول خود نمی‌باشد به همین جهت با تمام موانعی که بر سر راهش قرار دارد به مبارزه می‌پردازد. از آن جایی که کفار بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به حقیقت هستند و بزرگ‌ترین ظلم را در حق خود و دیگران مرتکب می‌شوند چرا که با پیمودن راه گمراهی، دیگران را به انحراف می‌کشاند بنابراین مومن حق طلب هیچ‌گاه سرسازش با چنین ظالمانی نخواهد داشت.

ویژگی حق‌طلبی و سازش‌ناپذیر بودن در برابر کفر را چنان‌که قرآن به آن تصریح می‌کند، در بین یاران خاص و تراز پیامبر اکرم نیز می‌بینیم. قرآن از این گروه ویژه تعبیر می‌کند که به دنبال رضایت خدا هستند لذا با مؤمنین اهل سازش بوده ولی با کافرین اهل مدارا نمی‌باشند:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹)؛

محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند.

در این آیه بیان شده که همراهان و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی مسلمانان، در برابر دشمنان اسلام، هم‌چون سدی فولادین ایستاده‌اند، اما با برادران مسلمان خود مهربان هستند و سخت‌گیری نمی‌کنند.

بنابراین منتظران و زمینه‌سازان ظهور امام زمان علیه السلام یکی از ویژگی‌هایی که باید با تاسی به یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همیشه در وجود خود زنده نگه دارند، حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی است. یعنی هر کجا فرصتی دست داد، در برابر ستمگران موضع بگیرند و بر سر ظالم فریاد عدالت‌خواهی بزنند. توجه به این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا منتظران بتوانند با تربیت یاران تراز حرکت انبیاء، تمدنی اسلامی را پایه‌ریزی کرده و زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام باشند.

۳. تلاش همه جانبه

هر حکومتی برای برپایی و تداوم خود، نیاز به نیروهای فداکاری دارد که با جان و مال خویش در پی اهداف آن تلاشی همه‌جانبه داشته باشند. وقتی به تاریخ زندگی انبیاء مراجعه می‌کنیم، زندگی سراسر نورانی آنان گواه بر این مطلب است که نقش اساسی یاران در به ثمر

نشاندن اهداف پیامبران از جایگاه والایی برخوردار است. این جایگاه به قدری با اهمیت است که در صورت حذف آن، حرکت و تلاش پیامبران نیز بی نتیجه خواهد ماند. یاران تراز حرکت انبیاء گاهی با تقدیم جان خود، اخلاص خود را به مسیر و هدف انبیاء نشان می دادند و گاهی با تقدیم مال به پیشبرد اهداف الهی انبیاء کمک می کردند

الف، یاران حضرت موسی علیه السلام

جهاد در راه خدا، منحصر به شرکت در میدان کارزار نیست. بلکه چه بسا جهاد در جبهه فرهنگی و تبلیغی بالاتر از جهاد در میدان جنگ سخت است. قرآن در مواردی از یاران خاص انبیاء یاد می کند که در جبهه تبلیغی به کمک انبیاء شتافتند و راه را برایشان هموار کردند. مثلاً در سوره یس، آن گاه که از پیامبران متعددی یاد می شود که به سوی قومی فرستاده شدند و سرانجام، همگی به شهادت رسیدند، به مرد گمنامی اشاره می شود که به کمک پیامبران شتافت و مردم را به اطاعت آنان فرا خواند:

﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (یس: ۲۰-۲۱)؛

و از دورترین منطقه شهر، مردی با شتاب آمد (و) گفت: ای قوم من! از این انبیا پیروی کنید. از کسانی که پاداشی درخواست نمی کنند و خود هدایت یافته اند پیروی کنید.

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ﴾ (غافر: ۲۸)؛

و مردی با ایمان از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: آیا می خواهید مردی را که می گوید: پروردگار من خداوند است بکشید؟! در حالی که او از طرف پروردگارتان با دلایل روشن نزد شما آمده است، اگر او دروغگو باشد دروغش به زبان خود اوست ولی اگر راستگو باشد، بعضی از آنچه را به شما وعده می دهد به شما خواهد رسید.

در این آیه شریفه به نقش یکی از یاران مخفی حضرت موسی علیه السلام در بین فرعونیان اشاره شده است. این شخص که از او به عنوان مؤمن آل فرعون یاد می شود به جهت احساس مسئولیت که نسبت به اصلاح جامعه داشت، با منطق محکم به استدلال در بین پیروان فرعون پرداخت و آنان را به دین حضرت موسی علیه السلام دعوت کرد.

همچنین در جای دیگر قرآن از مرد گمنامی یاد می کند آن هنگامی که فرعون و درباریانش،

تصمیم به قتل موسی عَلَيْهِ السَّلَام گرفتند، این مرد گمنام از دورترین نقاط شهر به یاری موسی عَلَيْهِ السَّلَام برخاست و او را از جریان توطئه‌ای که علیه او شکل گرفته بود، آگاه کرد:

﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيُقْتَلُوكَ فَاخْرُجْ إِيَّيْكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾ (قصص: ۲۰):

و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر (که مرکز استقرار فرعونیان بود) شتابان (به سوی او) آمد و گفت: ای موسی! همانا سران قوم در مورد تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند، پس (فورا از این جا) خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم.

قطعا اگر کمک این شخص گمنام به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام نبود، برنامه رسالت این پیامبر الهی نیمه تمام رها می‌شد و آن حضرت به همه اهداف‌شان نمی‌رسیدند.

ب) یاران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

قرآن در آیات مختلفی، از تلاش و کوشش و دلسوزی‌های مؤمنین در راه کمک‌رسانی به تحقق اهداف الهی، سخن به میان آورده است. در این بین نقش یاران تراز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که با تعبیر مختلف در آیات قرآن از مجاهدت‌های آنان یاد شده است:

﴿لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (توبه: ۸۸):

ولی (در مقابل منافقان رفاه طلب و گریزان از جنگ)، پیامبر و مؤمنان همراه او، با اموال و جان‌های‌شان جهاد کردند و اینان هستند که همه خیرات و نیکی‌ها برای آنان است و همانانند رستگاران.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حجرات: ۱۵):

مؤمنان، تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده و دچار تردید نشدند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند. اینانند که (در ادعای ایمان) راستگویانند.

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾:

(بخشی از فیئ) برای مهاجران فقیری است که از خانه‌ها و اموال خود بیرون رانده شدند و در پی فضل و رضوان الهی هستند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند، آنان همان راستگویانند.

در این جا سه وصف مهم برای مهاجران نخستین بیان شده که در "اخلاص" و "جهاد" و "صدق" خلاصه می‌شود. آنها پیوسته در خدمت آئین حق و یاری رسول او هستند و لحظه‌ای از جهاد در این راه دست بر نمی‌دارند. از این که جمله (ینصرون) به صورت فعل مضارع آمده معلوم می‌شود این یاری رساندن، منحصر در یک روز و دو روز نیست بلکه به صورت مستمر وجود دارد. به این ترتیب آنها اهل سخن و ادعا نیستند، بلکه ایمان خود را با جهاد مستمر ثابت کرده‌اند. و در سومین مرحله آنها را به صدق و راستی توصیف کرده که با توجه به گستردگی مفهوم این تعبیر، صداقت آنها را در همه چیز منعکس می‌کند، هم در دعوی ایمان صادقند، هم در ادعای محبت به رسول خدا ﷺ، و هم در زمینه طرفداری از آئین حق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲۳، ۵۱۵).

در آیه‌ای دیگر، به شدت اشتیاق یاران پیامبر اکرم ﷺ برای شرکت در جهاد اشاره شده است به گونه‌ای که وقتی پیامبر ﷺ چیزی را پیدا نمی‌کنند تا آنان را با آن تجهیز کرده و به جهاد بفرستند، یاران گریه کرده و شدت اشتیاق برای رفتن به جهاد را آشکار می‌سازند:

﴿وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَحِجُّكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيِبُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ﴾ (توبه: ۹۲)؛

و نیز (اشکالی نیست) بر آنان که چون نزد تو آمدند تا آنان را برای شرکت در جبهه بر مرکبی سوار کنی، گفتی: چیزی نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم و آنان (از نزد تو) برگشتند، در حالی که چشمانشان از اندوه، اشکبار بود که چرا چیزی ندارند که خرج جهاد کنند.

از مجموع آیاتی که ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم که در کنار نقش انبیاء در تبلیغ دین، یاران تراز انبیاء نقش کلیدی داشته‌اند. و آن قدر این نقش پررنگ است که قرآن به اصحاب پیامبر اسلام ﷺ هشدار می‌دهد که اگر دست از یاری پیامبر اکرم ﷺ و دین او بردارید خداوند گروهی را می‌آورد که در یاری دین او کوتاهی نخواهند کرد و با جهاد در راه خدا، به یاران تراز حرکت انبیاء تبدیل خواهند شد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ (مائده: ۵۴)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا

را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند.

همان‌طور که قبلاً راجع به این آیه توضیح داده شد، ارتداد مطرح در این آیه، تنها ارتداد از اصل اسلام نمی‌باشد چنان‌که روایات به این مطلب اشاره می‌کنند که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسلمانان همه نیروهای خود را برای دفاع از دین به میدان نیاوردند. لذا روایت می‌فرماید بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جز سه یا چهار نفر همه مرتد شدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۴، ۲۷۴). نتیجه چنین برخوردی این شد که مردم از ولی خدا اعراض کردند بنابراین عنوان ارتداد بر آنان صدق می‌کند.

از طرف دیگر آیه شریفه، از گروهی یاد می‌کند که مورد ستایش می‌باشند و در روایات از آنها، به عنوان یاران امام زمان علیه السلام یاد می‌شود (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۷۰). همان گروهی که در وصف آنان آمده است:

مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶: ۲۰۷)؛
آنان در طریق عبودیت خداوند اهل جدیت و تلاشند.

همچنین امام سجاد علیه السلام در توصیف یاران امام زمان علیه السلام فرمودند:

يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُعَاةَ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا! (ابن بابویه، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۳۲۰)؛

مردمانی که در روزگار غیبت به سر می‌برند و معتقد و منتظرند، از مردمان همه زمان‌ها برترند؛ زیرا خداوند متعال به آنان خرد و فهم و معرفتی داده که غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان مانند حضور است. خدا این مردم را مانند سربازان پیکارگر صدر اسلام قرار داده است؛ همانند کسانی که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر می‌زدند و پیکار می‌کردند. آنانند اخلاص‌پیشگان حقیقی و شیعیان واقعی. آنانند که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می‌کنند.

در واقع زمینه‌سازان ظهور امام زمان علیه السلام به جهت معرفتی که نسبت به امام خود دارند، برای برپایی دولت مهدوی تلاش پیگیری دارند. تا جایی که امام سجاد علیه السلام از ایشان به عنوان

مجاهدان در راه خدا یاد می‌کنند. این مطلب نشان می‌دهد که چنین جامعه‌ای با این افراد، از امتیازات خاصی برخوردار است که حضرت علی علیه السلام در مورد آنان می‌فرماید: لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأُولُونَ وَلَا يَذْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ؛ آنان در شایستگی و امتیازات بر اوج رفیعی هستند. نه از نسل‌های گذشته کسی از آنان پیشی گرفته است و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنان می‌رسد (طبری، ۱۴۱۳ق: ۷۲).

همان طوری که در زمان انبیاء، یاران تراز آنان نسبت به برقراری حکومت عدل الهی دغدغه‌مند بوده و برای آن تلاش پیگیر داشتند، جامعه منتظر امام زمان علیه السلام نیز چون دغدغه ظهور و یاری امام را دارد؛ نسبت به وضعیت اجتماعی حساس است. و منتظر چون به ظهور می‌اندیشد و دیگر اعضای جامعه را منتظرانی می‌داند که آمادگی آنان در پایان غیبت و تحقق فرج مؤثر است، لذا به یاری و مدد دیگر اعضا اقدام می‌کند. او به دنبال یارگیری برای امام و نجات افراد در غربال‌ها و امتحانات دوران غیبت است.

یکی از آثار مهم انتظار، ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت در افراد است. منتظران راستین، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح رفتار خویش، نسبت به رفتار دیگران نیز احساس مسئولیت کنند و در اصلاح رفتار دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم ظهور و حکومت جهانی که انتظارش را می‌کشند، تنها یک برنامه فردی نیست؛ بلکه برنامه‌ای است که کار باید به صورت دسته جمعی و همگانی باشد؛ کوشش‌ها و تلاش‌ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند و رفتار فردی و اجتماعی متناسب با آن تنظیم شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ۱۰۳).

طبیعی است در صورت فراهم نبودن یاران فداکار که دغدغه برای زمینه‌سازی ظهور داشته باشند، ظهور امام زمان علیه السلام به تأخیر خواهد افتاد. چنانچه وقتی یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت علت قیام نکردن ایشان را جویا شد، حضرت در جواب او فرمودند:

إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَحْدُ فِيهِ حَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۷، ۱۲۴).

۴. ثبات قدم

دینداری از مجموعه قواعدی پیروی می‌کند که جز در سایه پیمودن راه‌های آن به سامان نمی‌رسد. پایداری بر اصول و منحرف نشدن از مسیر، شرط اساسی قدم گذاشتن در راهی است که مورد نظر انبیاء بوده است. کم نبوده‌اند کسانی که ادعای دینداری داشته‌اند اما سختی‌های راه را تاب نیاورده و از میانه راه برگشته‌اند یاران خاص انبیاء با الگوگیری از پیامبران الهی، در یاری حق از هیچ کمکی فروگذاری نمی‌کردند و در این راه ثبات قدم داشته‌اند. به همین جهت در قرآن از صبر آنان به عنوان الگو یاد شده است:

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا وَهُنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا... وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا﴾ (آل عمران: ۱۴۶-۱۴۷)؛

و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد. و سخن آنان جز این نبود که پروردگارا... قدم‌های ما را ثابت بدار.

الف) همسر فرعون

یکی از کسانی که قرآن از ثبات قدم او تمجید کرده و او را به عنوان الگوی مؤمنان یاد می‌کند، همسر فرعون است چرا که در مقابل فرعون ایستاد و در راه حق از خود ثبات قدم نشان داد و با ایمانی مثال زدنی از شکنجه‌های فرعون تزلزلی به خود راه نداد:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (تحریم: ۱۱)؛

و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به همسر فرعون مثل زده است. آن‌گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگرهایی بخش.

ب) یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ویژگی ثبات قدم، آن قدر مهم است که خدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران آن حضرت سفارش به صبر کرده می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ (هود: ۱۱۲)؛

پس (ای پیامبر!) همان گونه که مأمور شده‌ای، استوار باش و (نیز) هر کس که با تو، به

سوی خدا آمده است.

در واقع فرمانی دشوارتر از این آیه بر پیامبر خدا نازل نشده است، چرا که در روایتی آمده است: وقتی آیه ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ﴾ نازل شد، حضرت فرمود: شَمِرُوا، شَمِرُوا، آستینها را بالا بزنید، آماده استقامت شوید و دیگر کسی آن حضرت را خندان ندید (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۳۵۱).

قرآن راجع به ثبات قدم گروهی از مؤمنین و یاران پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ مَحَبَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۲۳)؛

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

این آیه شریفه بیان می‌کند که همه اصحاب پیامبر ﷺ و مؤمنان در یک درجه نیستند بلکه تنها بخشی از مؤمنین هستند که بر عهده‌ی که با خدا بسته‌اند تا آخرین لحظه زندگی پایدار هستند و هیچ تغییری در آن نمی‌دهند اینها همان کسانی هستند که به گفته قرآن ﴿الَّذِينَ قَالُوا رَبِنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ (احقاف: ۱۳).

هرچند در این جا به مصداق‌های ثبات قدم یاران پیامبر ﷺ اشاره نشده، اما با مراجعه به تاریخ صدر اسلام نمونه‌های فراوانی را می‌یابیم.

در نقطه مقابل ثبات قدم، قرآن به نمونه‌هایی اشاره می‌کند که افرادی در ابتدا خوب شروع می‌کنند اما در ادامه از همراهی کردن حق باز می‌مانند و طرفدار جبهه باطل می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان به داستان اهل کتاب اشاره کرد که ایشان در ابتدا منتظر ظهور پیامبر اسلام ﷺ بودند ولی با ظهور اسلام و دیدن نشانه‌های حقانیت پیامبر اکرم ﷺ از اسلام، شانه خالی کرده و جبهه حق را تنها گذاشتند. قرآن از این گروه با تعبیر کافران یاد می‌کند:

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۸۹)؛

و چون از طرف خداوند، آنان را کتابی (قرآن) آمد که مؤید آن نشانه‌هایی است که نزد آنهاست و پیش از این به خود نوید می‌دادند (که با کمک کتاب و پیامبر جدید) بر دشمنان پیروز گردند، اما چون آنچه (از کتاب و پیامبر که از قبل) شناخته بودند، نزد آنان آمد به او

کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد.

با مراجعه به تاریخ زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاران آن حضرت، به نمونه های دیگری برخورد می کنیم که برخی یاران، با بی صبری در برابر حق، از ثبات قدم و یاری دین اسلام جا ماندند. لذا قرآن این دسته را به خاطر تنها گذاشتن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مذمت می کند:

﴿و إِذْ رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ هَمَّوْا انْفِصَاوْا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوْكَ قَائِمًا قُلٌّ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ مِنْ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِيْنَ﴾ (جمعه: ۱۱)؛

و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند، (از دور تو) پراکنده و به سوی آن روانه شوند و تو را ایستاده (در حال خواندن خطبه) رها کنند. (به آنان) بگو: آنچه (از فضل و برکت) نزد خداست، از سرگرمی و داد و ستد بهتر است و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

در شأن نزول این آیه چنین آمده:

در یکی از سال ها که مردم مدینه گرفتار خشکسالی شده بودند، «دحیه» با کاروانی از شام فرا رسید و با خود مواد غذایی آورده بود، در حالی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشغول خطبه نماز جمعه بود. طبق معمول برای اعلام ورود کاروان طبل زدند، مردم با سرعت خود را به بازار رساندند، در این هنگام مسلمانانی که در مسجد برای نماز اجتماع کرده بودند، خطبه را رها کرده و برای تأمین نیازهای خود به سوی بازار شتافتند، تنها دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند، آیه نازل شد و آنها را سخت مذمت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۲۴، ۱۳۰).

با توجه به این آیه و روایت ذیل آن (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۱، ۴۳۷) متوجه می شویم کسانی که در دینداری و ثبات قدم همراه با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا آخرین لحظه، ثابت قدم باقی ماندند بسیار کم بودند. لذا کسانی که به دنبال زمینه سازی ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام هستند، باید با عبرت از سرگذشت یاران انبیا، در جبهه انتظار استوار و مقاوم بمانند و از زخم و نیش هایی که بر دل و جان شان می نشیند خسته نشوند و به خود ناامیدی راه ندهند که طلیعه ظهور نزدیک است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در توصیف منتظران ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَغِيْبٌ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَا طُوبَى لِّلثَابِتِيْنَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ
إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يَبَادِيَهُمُ الْبَارِيُّ جَلَّ جَلَالُهُ فَيَقُولُ عِبَادِي وَإِمَائِي
أَمَنْتُمْ بِسِرِّي وَصَدَقْتُمْ بَعِيْبِي فَأَبْشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَإِمَائِي
حَقًّا (حرعاملی، ۱۴۲۵ ق: ج ۵، ۸۴)؛

زمانی بر مردم می آید که امام شان از آنها غائب می شود، پس خوشا به حال کسانی که در

آن زمان در امر امامت ما استوار بمانند. چون کمترین ثواب آنها این است که خداوند آنها را صدا کرده می‌فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من، شما به سر من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید. پس من بهترین ثواب را به شما مژده می‌دهم. شما بندگان و کنیزان من هستید.

نتیجه‌گیری

وعده برپایی حکومت صالحان در آخرالزمان، از بزرگ‌ترین وعده‌هایی است که در قرآن به مؤمنین داده شده است. در طول تاریخ پیامبران برای رسیدن به این وعده الهی تلاش کرده و برای ایجاد تمدن آرمانی دو نقش اساسی ایفا کرده‌اند؛ تربیت نیروهای تراز و برپایی نمونه‌ای کوچک از تمدن آرمانی. همان‌گونه که انبیاء برای پیشبرد اهداف‌شان نیازمند یارانی تراز بودند، همچنین تحقق ظهور امام زمان علیه السلام نیز نیازمند زمینه‌هایی است که از جمله آنها تربیت نیروهای خاص می‌باشد.

بدون تردید اگر یک منتظر واقعی بخواهد به یکی از مهم‌ترین وظایفش که زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجله الله تعالی فرجه الشریح می‌باشد جامه عمل بپوشاند، نیازمند الگوهایی مناسب می‌باشد تا با الگوبرداری از سبک زندگی آنان بتواند با دیدی بازتر، فعالیت نماید. این مقاله کوشیده است با استفاده از آیات قرآن به این نتیجه برسد که انبیاء الهی در مسیر تربیتی خود، از نیروهای شاخص و تراز بر خوردار بودند و روش زندگی آنان می‌تواند الگویی باشد برای همه مؤمنین در طول تاریخ.

در این نوشتار به مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری یاران تراز انبیاء پرداخته شده است. و به این نتیجه رسیده است که بخشی از یاران حضرت طالوت، تعدادی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، الگوی ولایت‌پذیری هستند. همچنین حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت موسی علیه السلام، دارای یارانی حق محور بوده‌اند که از ثبات قدم برخوردار بوده و قرآن از آنها تجلیل می‌کند. همسر فرعون نیز به عنوان یکی از یاران حضرت موسی علیه السلام است که قرآن ایشان را به عنوان الگوی مؤمنان مطرح می‌کند و منتظران ظهور امام زمان علیه السلام باید با الگوگیری از این یاران تراز حرکت انبیاء، زمینه‌سازان حکومت عدل مهدوی باشند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۱ق)، *حلیة الابرار فی احوال محمد وآله الاطهار علیهم السلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران: انتشارات برهان.
۳. الجوهری، أبونصر إسماعیل بن حمّاد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية*، تحقیق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم، چهارم.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی.
۵. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۱ش)، *عصر زندگی*، مشهد: هاتف.
۶. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ق)، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم: بی‌نا.
۷. خزاز قمی، علی (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر فی النص علی الائمه*، قم: نشر بیدار.
۸. خوشدونی، مهدی (۱۳۹۶ش)، «بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های تمدن آخرالزمان از منظر قرآن کریم با تحلیل همانندی‌های آن با حکومت‌های اولیای الهی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴۳.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. دیریاز، عسکر (۱۳۹۰ش)، «روش‌های اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، شماره ۳.
۱۱. روحانی، فرزانه (۱۳۹۵ش)، «تبیین نقش انبیای الهی در تحقق تمدن آرمانی براساس قرآن»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۳۹.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامه*، قم: بعثت.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم: دار الثقافة.
۱۷. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *نور الثقلین*، قم: نشر اسماعیلیان.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: دارالهجره.

۱۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. معین، محمد (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: نشر زرین.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.
۲۷. الهی‌نژاد، حسین (۱۳۹۷ش)، *مردم و زمینه‌سازی ظهور*، قم: پژوهشگاه مهدویت و آینده‌پژوهی.